





دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده اقتصاد

پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته

توسعه اقتصادی و برنامه ریزی

با عنوان

تجزیه و تحلیل ضرایب فزاینده بین منطقه‌ای در قالب الگوی داده- ستانده دو منطقه‌ای

(مطالعه موردی استان آذربایجان شرقی با سایر مناطق اقتصاد ملی)

استاد راهنما:

دکتر علی اصغر بانویی

استاد مشاور:

دکتر محمد ستاری فر

نگارش:

حامد زارعی

آبان ماه ۱۳۸۹

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول؛ کلیات تحقیق.....
۲	مقدمه.....
۴	۱-۱- بیان مسئله و اهمیت موضوع.....
۵	۱-۱-۲- اهمیت موضوع و ضرورت تحقیق.....
۶	۱-۲- سابقه تحقیق.....
۶	۱-۲-۱- مطالعات انجام شده در خارج از کشور.....
۷	۱-۲-۲- مطالعات تجربی انجام شده در داخل کشور.....
۸	۱-۳- سوالات و فرضیه‌های تحقیق.....
۸	۱-۴- اهداف تحقیق.....
۹	۱-۵- مبانی نظری تحقیق.....
۹	۱-۶- روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها.....
۱۰	۱-۷- جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و حجم نمونه.....
۱۱	۱-۸- تعریف مفاهیم و واژگان اختصاصی تحقیق.....
۱۳	۱-۹- مشکلات و تنگناهای احتمالی تحقیق.....
۱۴	۱-۱۰- روش تجزیه و تحلیل داده‌ها.....
۱۴	۱-۱۱- ساختار و سازماندهی تحقیق.....
۱۵	فصل دوم؛ تعاریف، مفاهیم پایه‌ای، مروری بر مطالعات تجربی صورت گرفته.....
۱۶	مقدمه.....
۱۶	۲-۱- تعاریف و مفاهیم پایه‌ای.....
۱۶	۲-۱-۱- مفهوم منطقه.....
۱۸	۲-۱-۲- مفهوم فضا.....
۱۸	۲-۱-۳- مفهوم برنامه‌ریزی منطقه‌ای.....
۲۰	۲-۱-۴- تاریخچه برنامه‌ریزی منطقه‌ای در ایران.....
۲۳	۲-۲-۱- مبانی نظری مربوط به پیوندها.....
۲۷	۲-۳- الگوی حسابداری کلان- بخشی داده- ستانده و نقش آن در فرآیند برنامه‌ریزی منطقه‌ای.....
۲۸	۲-۳-۱- مدل‌های داده- ستانده در سطح منطقه‌ای.....
۲۸	۲-۳-۱-۱- روش‌های تهیه جدول داده- ستانده تک منطقه‌ای.....

۳۱	۲-۳-۲- مروری بر ادبیات تهیه جداول داده- ستانده بین منطقه‌ای
۳۳	۲-۳-۳- ضرورت تهیه و تنظیم جداول داده- ستانده چند منطقه‌ای یا بین منطقه‌ای
۳۵	۲-۴- مروری بر مطالعات انجام شده در داخل و خارج از کشور
۳۵	۲-۴-۱- مطالعات انجام شده در خارج از کشور
۴۱	۲-۴-۲- مطالعات انجام شده در داخل کشور
۴۲	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۴۴	فصل سوم؛ طراحی الگوی داده- ستانده بین منطقه‌ای
۴۵	مقدمه
۴۶	۳-۱- اصول و مبانی جدول داده- ستانده ملی
۵۰	۳-۲- اصول و مبانی جداول داده- ستانده بین منطقه‌ای در قالب دو منطقه
۵۳	۳-۲-۱- مراحل تهیه یک جدول داده- ستانده بین منطقه‌ای غیرآماري در قالب دو منطقه
۵۵	۳-۲-۲- تفاوت‌های عمده میان جداول داده- ستانده تک منطقه‌ای و دو منطقه‌ای
۵۶	۳-۲-۳- محدودیت‌های محاسبه جداول داده- ستانده دو منطقه‌ای غیرآماري
۵۷	۳-۳- مدل‌سازی فضایی در چارچوب جداول داده- ستانده بین منطقه‌ای
۶۳	۳-۳-۱- مفهوم اثرات سرریزی و اثرات بازخوردی در مدل‌های متعارف داده- ستانده بین منطقه‌ای
۶۵	۳-۳-۲- نحوه محاسبه اثرات بازخوردی و سرریزی در جداول داده- ستانده بین منطقه‌ای
۶۸	۳-۳-۳- مدل‌های داده- ستانده بین منطقه‌ای و تجزیه ضرایب فزاینده بین منطقه‌ای
۶۸	۳-۳-۳-۱- تجزیه ماتریس ضرایب فزاینده پسین
۶۹	۳-۳-۳-۲- تجزیه ماتریس ضرایب فزاینده پیشین
۷۱	۳-۴- تشریح روش‌های سهم مکانی با تاکید بر ابعاد اقتصاد فضا
۷۱	۳-۴-۱- مفاهیم اساسی روش‌های سهم مکانی
۷۵	۳-۴-۲- خصوصیات کلی و مشترک روش‌های سهم مکانی متعارف
۷۵	۳-۴-۳- تبیین روش‌های سهم مکانی
۷۵	۳-۴-۳-۱- روش اصلاح‌شده شبه لگاریتمی اندازه منطقه (FLQ_{ij}^*)
۷۷	۳-۴-۴- شناسایی مناسب‌ترین گزینه مقدار δ بر مبنای الگوی عرضه محور گش
۷۹	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۸۰	فصل چهارم؛ تبیین ساختار اقتصاد استان آذربایجان شرقی
۸۱	مقدمه
۸۲	۴-۱- موقعیت جغرافیایی و جمعیتی استان

۸۲	۴-۱-۱- موقعیت جغرافیایی و حدود استان
۸۲	۴-۱-۲- جمعیت و خانوار
۸۳	۴-۱-۳- باروری، امید به زندگی و مهاجرت
۸۴	۴-۲- نیروی انسانی و بازار کار
۸۴	۴-۲-۱- بررسی وضعیت اشتغال استان برحسب گروه‌های عمده فعالیت
۸۵	۴-۳-۱- تولید ناخالص داخلی، رشد اقتصادی و تولید سرانه استان
۸۶	۴-۳-۲- بررسی کمی بخش کشاورزی استان و جایگاه آن در اقتصاد ملی
۸۷	۴-۳-۳- بررسی کمی بخش صنعت استان و جایگاه آن در اقتصاد ملی
۸۸	۴-۳-۴- بررسی کمی بخش خدمات استان و جایگاه آن در اقتصاد ملی
۸۹	۴-۳-۵- سهم بخش‌های اقتصادی از ستانده و ارزش افزوده کل استان
۸۹	۴-۳-۵-۱- سهم بخش‌های اقتصادی از ستانده کل استان
۸۹	۴-۳-۵-۲- سهم بخش‌های اقتصادی از ارزش افزوده کل استان
۹۰	۴-۳-۶- عملکرد صادرات غیرنفتی استان
۹۱	۴-۴- بودجه و درآمدهای عمومی استان
۹۱	۴-۴-۱- اعتبارات هزینه‌ای استان
۹۲	۴-۴-۲- میزان تسهیلات اعطائی بانک‌های استان
۹۳	۴-۵- مزیت‌های سرمایه‌گذاری استان آذربایجان شرقی
۹۴	۴-۶- نظریه پایه توسعه استان آذربایجان شرقی
۹۶	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۹۷	فصل پنجم؛ ارزیابی مدل (پایه‌های آماری، روش برآورد و تحلیل نتایج)
۹۸	مقدمه
۹۹	۵-۱- پایه‌های آماری مورد نیاز تحقیق و فرآیند تعدیل آن‌ها
۱۰۰	۵-۱-۱- فرآیند تجمیع در جداول داده- ستانده
۱۰۲	۵-۲- روش برآورد جداول داده- ستانده بین‌منطقه‌ای
۱۰۳	۵-۲-۱- برآورد ماتریس ضرایب درون منطقه‌ای
۱۰۵	۵-۲-۲- برآورد واردات برون مرزی مناطق
۱۰۶	۵-۲-۳- برآورد ماتریس ضرایب بین منطقه‌ای
۱۰۶	۵-۲-۴- برآورد تقاضای نهایی مناطق
۱۰۶	۵-۳- اثرات درون منطقه‌ای، سرریزی و بازخوردی در تحلیل <i>IRIO</i>

۱۰۷	۵-۳-۱ تجزیه ضرایب فزاینده تولید پسمین در چارچوب الگوی تقاضا محور لئونتیف
۱۰۹	۵-۳-۲ تجزیه ماتریس ضرایب فزاینده پیشین در چارچوب الگوی عرضه محور گش
۱۱۰	۵-۴ جمع‌بندی و تحلیل نتایج حاصله از مطالعه
۱۱۰	۵-۴-۱ تحلیل ساختار اقتصاد استان آذربایجان شرقی و سایر مناطق اقتصاد ملی
۱۱۰	۵-۴-۱-۱ ساختار تولیدات استان آذربایجان شرقی و سایر مناطق اقتصاد ملی
۱۱۳	۵-۴-۱-۲ ماتریس ضرایب نهاده منطقه‌ای و واسطه‌ای استان آذربایجان شرقی و سایر مناطق اقتصاد ملی
۱۱۶	۵-۴-۲ نتایج به‌دست آمده از ماتریس ضرایب فزاینده پسمین
۱۲۲	۵-۴-۳ نتایج به‌دست آمده از ماتریس ضرایب فزاینده پیشین
۱۳۰	۵-۵ پاسخ به سوالات تحقیق
۱۳۲	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۱۳۴	یادداشت‌ها
۱۳۶	فصل ششم؛ جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و پیشنهادات
۱۳۷	مقدمه
۱۳۸	۶-۱ جمع‌بندی مطالب ارائه شده
۱۴۱	۶-۲ جمع‌بندی مشاهدات
۱۴۴	۶-۳ توصیه‌های سیاستی و پژوهشی
۱۴۴	۶-۳-۱ توصیه‌های سیاستی
۱۴۸	۶-۳-۱-۱ پیشنهاد برای مطالعات آتی
۱۴۹	منابع و ماخذ
۱۵۵	پیوست ۱
۱۶۲	پیوست ۲

چکیده

نظام برنامه‌ریزی ملی و منطقه‌ای دو روی یک سکه نیستند که حضور یکی، وجود دیگری را رد کند. لذا، رویکرد برنامه‌ریزی «ملی- منطقه‌ای» و «منطقه‌ای- ملی» در قالب یک رویکرد تعاملی و دوسویه، از یک سو، با شناسایی امکانات، پتانسیل‌ها، تنگناها و محدودیت‌های توسعه‌ای مناطق و از سوی دیگر، با ایجاد زیرساخت‌ها و بسترسازی مناسب برای مناطق، بسیاری از نارسایی‌های رویکرد تک‌ساحتی برنامه‌ریزی ملی را رفع نموده و فضای مناسبی برای توسعه مناطق و به تبع آن توسعه کشور فراهم می‌سازد. با اذعان به این مطلب که اطلاعات آماری شالوده فرآیند برنامه‌ریزی است و با توجه به محدودیت‌های نظام آماری در سطح منطقه‌ای و نبود داده‌های آماری موثق به اندازه کافی، جدول داده- ستانده بین منطقه‌ای غیرآماري می‌تواند به‌عنوان مهم‌ترین ابزار برای تحلیل و تبیین ساختار اقتصاد ملی- منطقه‌ای و منطقه‌ای- ملی به کار گرفته شود که مسلماً نوعی از تعادل عمومی را در بطن خود به همراه خواهد داشت.

محور اصلی این مطالعه، شناسایی تعاملات و پیوندهای بین اقتصاد ملی و منطقه‌ای در قالب اثرات سرریزی و بازخوردی بین منطقه‌ای است. به منظور دستیابی به اهداف فوق، متناسب با نظام حسابداری ملی- منطقه‌ای و ابعاد اقتصاد فضا، جدول داده- ستانده دو منطقه‌ای سال ۱۳۸۰ به روش غیرآماري مختلط در قالب ۲۸ بخش اقتصادی و دو منطقه استان آذربایجان شرقی و سایر مناطق اقتصاد ملی تهیه شده است. سپس با استفاده از این جدول و در چارچوب اهداف و سوالات تحقیق، ضرایب داده- ستانده دو منطقه‌ای در قالب اثرات سرریزی و بازخوردی بین منطقه‌ای تجزیه و تحلیل شده است.

نتایج مطالعه نشان می‌دهد که یک؛ به کارگیری جداول داده- ستانده بین منطقه‌ای در مقایسه با جداول تک منطقه‌ای می‌تواند ساختار اقتصاد استان را بهتر تبیین نمایند. دو؛ نتایج الگوی تقاضا محور لئونتیف نشان می‌دهند که براساس ماتریس ضرایب فزاینده پسین، بخش‌های ساخت سایر محصولات غذایی و آشامیدنی، ساختمان و ساخت چوب و محصولات چوبی استان دارای بیشترین اثرات سرریزی به سایر مناطق اقتصاد ملی هستند؛ همچنین نتایج الگوی عرضه محور گش نشان می‌دهند که از میان بخش‌های مختلف استان، بخش آب، برق و گاز، ساخت چوب و محصولات چوبی و ساخت مواد شیمیایی دارای بیشترین اثرات سرریزی به سایر مناطق اقتصاد ملی بوده‌اند که نتایج ضرایب فزاینده پسین و پیشین بیانگر آن است که استان آذربایجان شرقی (منطقه کوچک‌تر) به سایر مناطق اقتصاد ملی (منطقه بزرگ‌تر) وابسته‌تر می‌باشد. سه؛ نتایج اثرات بازخوردی بین منطقه‌ای نشان می‌دهد که متوسط اثرات بازخوردی برای هر دو منطقه بسیار پایین است.

کلمات کلیدی؛ برنامه‌ریزی تعاملی، جدول داده- ستانده بین منطقه‌ای غیرآماري، ماتریس ضرایب فزاینده پسین و پیشین، اثرات سرریزی و بازخوردی بین منطقه‌ای، استان آذربایجان شرقی.

فصل اول؛ کلیات تحقیق

مقدمه

دست‌یابی به توسعه در سطوح منطقه‌ای با هر هدفی که پیگیری شود، به عنوان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های نظام برنامه‌ریزی مرکزی در دهه‌های اخیر مطرح بوده است. در این میان، توسعه اقتصادی یک منطقه پیش از هر چیز نیازمند شناسایی احتیاجات، ظرفیت‌ها، پتانسیل‌ها و قابلیت‌های موجود در سطح منطقه است که لازمه این امر، شناخت همه‌جانبه تعاملات و هم‌پیوندی‌های فعالیت‌های تولیدی در سطح منطقه اعم از ارتباطات درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای می‌باشد. یکی از ابزارهای مناسب برای تبیین ساختار اقتصادی منطقه با هدف شناسایی استراتژی توسعه اقتصادی، به‌کارگیری الگوهای حسابداری کلان- بخشی داده- ستانده است که از دیرباز در قالب شناسایی پیوندهای بین بخشی و بخش‌های کلیدی مورد توجه پژوهشگران و سیاست‌گذاران ملی و منطقه‌ای بوده است. اما نکته‌ای که در این بین حائز اهمیت است و توجه این مطالعه را به خود واداشته است، تمرکز بر تعاملات مابین فعالیت‌های تولیدی در سطح یک منطقه با فعالیت‌های تولیدی در سایر مناطق اقتصاد ملی و بررسی اثرات این هم‌پیوندی‌ها و ارتباطات بر روی ساختار اقتصاد یک منطقه در قالب محاسبه ماتریس‌های اثرات سرریزی و بازخوردی بین منطقه‌ای است که صرفاً در چارچوب رویکرد برنامه‌ریزی تعاملی «ملی- منطقه‌ای» و «منطقه‌ای- ملی» قابل تبیین است.

برای دست‌یابی به این منظور، جدول داده- ستانده دو منطقه‌ای غیرآماري سال ۱۳۸۰ برآورد و به کار گرفته شده است. مزیت عمده به کارگیری جداول داده- ستانده بین منطقه‌ای این است که با استفاده از این جداول می‌توان به خوبی ساختار کل اقتصاد ملی را در قالب تعاملات و پیوندهای تجاری درون منطقه‌ای و بین منطقه‌ای در چارچوب یک مدل تعادل عمومی تبیین و تشریح نمود. برای تهیه این جدول، استان آذربایجان شرقی به عنوان منطقه‌ای که توسعه آن مورد توجه می‌باشد، بررسی شده است.

نکته اساسی که در ابتدا بایستی بدان متذکر شد، این است که نحوه برنامه‌ریزی اقتصادی در هر کشور به عوامل متعددی از قبیل مرحله توسعه اقتصادی کشور، ماهیت نظام برنامه‌ریزی، اهداف خاصی که کشور به دنبال تحقق آن است و عوامل دیگری مانند ملاحظات تکنولوژیکی، زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بستگی دارد که در این مطالعه از پرداختن به ماهیت این عوامل خودداری شده است. زیرا هدف این مطالعه تبیین کامل ماهیت نظام برنامه‌ریزی تعاملی در چارچوب رویکرد برنامه‌ریزی از بالا به پایین و از پایین به بالا نیست؛ بلکه هدف

اصلی آن تهیه و برآورد جدول داده- ستانده بین منطقه‌ای غیرآماري سال ۱۳۸۰ در قالب دو منطقه، شامل استان آذربایجان شرقی و سایر مناطق اقتصاد ملی است که به‌عنوان یک ابزار کارآمد در چارچوب برنامه‌ریزی کلان- بخشی برای تبیین بهتر ساختار اقتصاد مناطق و شناسایی پیوندهای فضایی در قالب اثرات سرریزی و بازخوردی بین منطقه- ای استفاده می‌شود و می‌تواند بستر مناسبی را برای رویکرد برنامه‌ریزی تعاملی «از بالا به پایین و از پایین به بالا به صورت همزمان» فراهم سازد. بدیهی است که اطلاعات آماری شالوده فرآیند برنامه‌ریزی است، لذا در فرآیند طراحی سیاست‌ها برای پیگیری اهداف تعیین شده از ارزشیابی به کمک اعداد و ارقام گریزی نیست. به همین منظور مطالب این فصل بدین ترتیب سازماندهی می‌شود:

۱-۱- بیان مسئله و اهمیت موضوع

۱-۲- سابقه تحقیق

۱-۳- سوالات و فرضیه‌های تحقیق

۱-۴- اهداف تحقیق

۱-۵- مبانی نظری

۱-۶- روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها

۱-۷- جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و حجم نمونه

۱-۸- تعریف مفاهیم و واژگان اختصاصی پژوهش

۱-۹- مشکلات و تنگناهای احتمالی تحقیق

۱-۱۰- روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

۱-۱۱- ساختار و سازماندهی تحقیق

۱-۱- بیان مسئله و اهمیت موضوع

۱-۱-۱- تبیین مسئله

طی بررسی‌ها و مطالعات صورت گرفته در دهه‌های اخیر، برنامه‌ریزان ملی و منطقه‌ای به این اجماع رسیده‌اند که برای دستیابی به توسعه پایدار در سطوح ملی و منطقه‌ای، گریزی از یک تعامل دوسویه و تسلسلی میان اقتصاد ملی و اقتصاد منطقه‌ای نیست. همچنین در سلسله مطالعات انجام شده در این حوزه، فضا و ابعاد اقتصاد فضا به‌عنوان پل ارتباطی میان برنامه‌ریزان ملی و منطقه‌ای مدنظر قرار گرفته است. اما نکته‌ای که در این میان کمتر بدان توجه شده است و محور اصلی مطالعه حاضر نیز بر آن استوار است، بررسی کمی نحوه تأثیرگذاری سیاست‌ها و شوک‌های طرف تقاضا و عرضه اقتصاد ملی بر روی ساختار اقتصاد منطقه‌ای و یا بالعکس بررسی کمی نحوه تأثیرگذاری سیاست‌ها و شوک‌های طرف تقاضا و عرضه اقتصاد منطقه‌ای بر روی ساختار اقتصاد ملی در چارچوب نظام برنامه‌ریزی تعاملی است. از این منظر می‌توان گفت که مجموعه‌ای از اصول، اهداف و استراتژی‌های رشد و توسعه در سطوح منطقه‌ای که در چارچوب یک نظام برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای ارائه می‌شود و جزء خصلت و محتوای این نوع برنامه‌ریزی است، دارای یک رابطه تعاملی، تسلسلی و دوسویه با رهیافت برنامه‌ریزی توسعه ملی است و در یک حالت ایده‌آل و منطقی، لازم و ملزوم یکدیگر هستند (جباری، ۱۳۸۶؛ ۳۴).

در عین حال، اهمیت و جایگاه برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای در توانایی این رویکرد برای شکوفا کردن بخشی از فرصت‌ها و امکانات لازم برای تحقق توسعه پایدار است که رویکرد تک‌ساحتی برنامه‌ریزی توسعه ملی در پویا کردن آن ناتوان می‌باشد. از این رهگذر، می‌توان گفت که موفقیت اقتصادی یک منطقه در گرو آن است که از یک‌سو، دارای تعاملات و پیوندهای قوی درون منطقه‌ای باشد و از سوی نیز، دارای انعطاف‌پذیری بالا در تعامل و پیوند با اقتصاد ملی باشد.

با گذشت بیش از نیم قرن از عمر برنامه‌ریزی در ایران، هنوز نگرش ملی-بخشی بر نظام برنامه‌ریزی ایران سایه افکنده است. به‌طوری‌که چنین ساختاری باعث گردیده است تا سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان سطوح ملی-بخشی، توجه لازم به ابعاد فضایی و منطقه‌ای- که بسیاری از ظرفیت‌ها، فرصت‌ها، هم‌پیوندی‌ها و تعامل‌های مورد نیاز یک توسعه پایدار را فراهم می‌سازد- نداشته باشند. حال آن‌که امروزه، برنامه‌ریزی منطقه‌ای با هدف توسعه منطقه‌ای در اکثر کشورهای جهان به‌عنوان ابزاری مناسب برای توسعه فضایی تبدیل شده است. لذا با نگرش بخشی- فضایی در

مقابل نگرش بخشی- ملی، برنامه‌ریزان می‌کوشند تا برنامه‌ریزی فضایی و منطقه‌ای را با هدف دستیابی به توسعه ملی در قالب مفاهیم فضایی بگنجانند. در واقع، این‌طور به نظر می‌رسد که برنامه‌ریزی مناسب اقتصادی و اجتماعی برای منطقه در صورتی امکان‌پذیر است که فرآیند برنامه‌ریزی «از بالا به پایین و از پایین به بالا به طور همزمان» یا برنامه‌ریزی «ملی- منطقه‌ای» و «منطقه‌ای- ملی» به صورت توأمان مورد توجه قرار گیرد. به دیگر سخن، در نتیجه تعاملات دوسویه بین اقتصاد ملی و منطقه‌ای است که سرریزی‌های مثبت ناشی از تجارت پدیدار می‌گردد.

این مطالعه، با هدف برنامه‌ریزی برای توسعه اقتصادی استان آذربایجان شرقی انجام شده است. این استان، با دارا بودن امکانات و منابع فراوان (از قبیل، زیرساخت‌های مناسب، نیروی کار ارزان و ذخایر معدنی غنی)، پتانسیل‌های بالقوه و موقعیت ارتباطی ویژه از جایگاه مناسبی در ساختار اقتصاد ملی برخوردار نمی‌باشد. بنابراین، به منظور پیشبرد اهداف توسعه‌ای استان در چارچوب نظام برنامه‌ریزی تعاملی «ملی- منطقه‌ای» و «منطقه‌ای- ملی»، تهیه یک الگوی حسابداری کلان- بخشی با هدف شناخت ساختار کل اقتصاد استان و تعاملات آن با سایر مناطق اقتصاد ملی در قالب یک مدل تعادل عمومی ضرورت می‌یابد. لذا سوال اساسی تحقیق، این است که در چارچوب رهیافت برنامه‌ریزی تعاملی «ملی- منطقه‌ای و منطقه‌ای- ملی» کدام‌یک از بخش‌های استان آذربایجان شرقی دارای بیشترین اثرات سرریزی به سایر مناطق اقتصاد ملی می‌باشند؟

۲-۱-۱- اهمیت موضوع و ضرورت تحقیق

تحقق توسعه منطقه‌ای از یک‌سو، در گرو شناسایی استعدادها، توانمندی‌ها، ظرفیت‌های بالقوه، ابزارها و نهادهای موجود در سطح منطقه می‌باشد و از سوی نیز، در گرو شناسایی هم‌پیوندی‌ها و تعاملات اقتصاد منطقه با اقتصاد ملی می‌باشد. یکی از ابزارهای مناسب، برای ترسیم ساختار اقتصاد منطقه و اجزای آن، استفاده از تکنیک داده- ستانده می‌باشد. زیرا جدول داده- ستانده امکان بررسی اثرات متقابل و وابستگی‌های متقابل بخش‌های اقتصاد را فراهم می‌سازد. به دلیل آن‌که جداول داده- ستانده تک‌منطقه‌ای و الگوهای مرتبط با آن‌که توسط طیف وسیعی از پژوهشگران و نهادهای پژوهشی در ایران مورد استفاده قرار می‌گیرند، دارای محدودیت‌هایی به شرح ذیل می‌باشند، نمی‌توانند هم‌پیوندی‌ها و تعاملات بین اقتصاد ملی و اقتصاد منطقه‌ای را به‌خوبی تبیین نمایند؛ بنابراین در این مطالعه، به منظور بررسی این هم‌پیوندی‌ها و ارتباطات از جدول داده- ستانده دو منطقه‌ای استفاده شده است.

- ❖ در نظر نگرفتن اثرات بازخوردی و سرریزی بین منطقه‌ای در الگوهای تک منطقه‌ای
- ❖ برونزا در نظر گرفتن واردات (صادرات) یک منطقه از (به) سایر مناطق
- ❖ نارسائی در تبیین رویکرد برنامه‌ریزی از بالا به پایین و از پایین به بالا به صورت توامان
- ❖ تحقق شرایط تعادل جزئی در الگوهای داده- ستانده تک منطقه‌ای

۲-۱- سابقه تحقیق

۱-۲-۱- مطالعات تجربی انجام شده در خارج از کشور

دیازنباخر^۱ (۲۰۰۲) در مطالعه‌ای تجربی اقدام به تجزیه ضرایب فزاینده بین کشوری در چارچوب الگوی داده- ستانده تقاضا محور لئونتیف^۲ و عرضه محور گش^۳ در قالب سه جزء اثرات درون کشوری، اثرات بازخوردی و اثرات سرریزی بین کشوری نموده است. وی برای این منظور از جدول داده- ستانده بین کشوری سال ۱۹۸۵ (Eurostat, 1979) برای ۶ کشور اتحادیه اروپایی (EC) استفاده کرده است. جدول داده- ستانده بین کشوری تهیه شده در این مطالعه بر اساس مدل اولیه ایزارد بود. دیازنباخر در این مطالعه برای اولین بار، ضرایب فزاینده اجزای تقاضای نهایی را محاسبه نموده است. نتایج این تحقیق نشان داد که اثرات بازخوردی بین کشوری بی‌نهایت کوچک هستند. نتایج همچنین مشخص ساخت که اختلاف فاحشی مابین کشورهای بزرگ (آلمان، فرانسه و ایتالیا) و کشورهای کوچک (هلند، بلژیک و دانمارک) وجود دارد. کشورهای کوچک دارای ضرایب فزاینده تولید (پسین و پیشین) کوچک‌تری می‌باشند که بیانگر این مطلب است که فرآیند تولید این کشورها بیشتر به منابع خارجی وابسته می‌باشند.

نتایج اثرات سرریزی بین کشوری نیز که وابستگی یک کشور را به ۵ کشور دیگر منعکس می‌کند، نشان داد که ضرایب فزاینده صادرات و واردات به طور قابل توجهی برای کشورهای کوچک نسبت به کشورهای بزرگ، بزرگ‌تر می‌باشند. همچنین پیوندهای پسین بخشی تفاوت بین بخش‌های خدمات و تولیدی را نشان می‌دهند که یافته‌های مطالعه حاکی از آن است که بخش‌های تولیدی در مقایسه با بخش‌های خدماتی دارای ضرایب فزاینده تولید پسین

1 . Dietzenbacher

2 . Leontief's Demand Side Input- Output Model

3 .Gosh's Supply Side Input- Output Model

بزرگ‌تر، ضرایب فزاینده واردات بزرگ‌تر و اثرات سرریزی بین‌کشوری بزرگ‌تری می‌باشند. نتایج بخشی برای پیوندهای پیشین تصویر متفاوت‌تری را نشان می‌دهند.

انگو^۴ و همکارانش (۱۹۸۷) در مطالعه‌ای با استفاده از مدل داده- ستانده بین‌منطقه‌ای، یک جدول داده- ستانده دو منطقه‌ای برای کشور فیلیپین در قالب مدل مرکز- پیرامون تهیه نمودند. آن‌ها از این مدل به منظور بررسی اثرات بالا رفتن قیمت‌های نسبی در ماتریس ضرایب فنی و محاسبه اثرات کششی استفاده کردند؛ در این مطالعه سه ابزار سیاستی مورد بررسی قرار گرفت: یارانه‌های زیربنایی، یارانه‌های نیروی کار، یارانه‌های تغییر اصلاحات داخلی تجاری. نتایج این مطالعه بیانگر آن است که انگیزه تولید با هدف به دست آوردن یارانه نیروی کار، بزرگ‌تر از یارانه زیربنایی بود؛ اما میزان یارانه مورد نیاز خیلی بالا خواهد بود. همچنین تحلیل اثرات ضرایب فزاینده بیانگر آن است که سهم ضرایب فزاینده بین‌منطقه‌ای برخلاف ضرایب فزاینده درون منطقه‌ای، در قیاس با ضرایب فزاینده ملی خیلی کوچک می‌باشد و از لحاظ مکانی، بسیاری از صنایع در مناطق پیرامون دارای ضرایب فزاینده تولید بزرگ‌تری هستند.

۲-۲-۱- مطالعات تجربی انجام شده در داخل کشور

بررسی کمی نقش و اهمیت فضا در قالب الگوی داده- ستانده منطقه‌ای و موارد به‌کارگیری آن در سیاست‌گذاری منطقه‌ای در ایران به تازگی مورد توجه پژوهشگران داخلی قرار گرفته است. به‌طوری‌که فقدان جداول آماری داده- ستانده منطقه‌ای، استخراج جداول غیرآماری را با در نظر گرفتن ابعاد فضایی پیش‌روی پژوهشگران و محققان کشور قرار داده است.

در اولین تلاش‌ها به منظور برآورد جداول داده- ستانده بین‌منطقه‌ای در ایران، بزازان و همکاران (۱۳۸۸) برای نخستین بار، یک جدول داده- ستانده دو منطقه‌ای در قالب دو منطقه (استان تهران و سایر مناطق اقتصاد ملی) و ۱۰ بخش استخراج نمودند؛ نتایج به‌دست آمده از این مطالعه حاکی از آن بود که ۵۸ درصد از واردات استان تهران از سایر مناطق اقتصاد ملی است، در حالی که ۴۱ درصد از واردات سایر مناطق اقتصاد ملی از استان تهران است؛ همچنین نتایج نشان می‌دهد که اثرات بازخوردی در هر دو منطقه جزئی می‌باشد و اثرات سرریزی در استان تهران بزرگ‌تر از سایر مناطق اقتصاد ملی می‌باشد که با ادبیات اقتصاد منطقه‌ای نیز سازگار می‌باشد. به این صورت که مناطق بزرگ‌تر خودکفاترند و مناطق کوچک‌تر وابسته‌ترند. همچنین در این مطالعه، میزان خطای به‌کارگیری مدل

4. Ngo, T.W & Jazayeri, A and Richardson, H.W

تک منطقه‌ای به جای مدل دو منطقه‌ای در سایر مناطق اقتصاد ملی ۲۰ درصد و در استان تهران ۱۲ درصد برآورد شده که بسیار بالا بوده و ضرورت استفاده از مدل‌های داده-ستانده بین منطقه‌ای را آشکار می‌سازد.

در مطالعه‌های دیگر، بزازان (۱۳۸۸) به تحلیل اثربخشی کوتاه مدت مدل داده-ستانده دو منطقه‌ای پرداخته و با استفاده از جدول برآورد شده برای استان تهران و سایر مناطق اقتصاد ملی، نشان داده است که بزرگ‌ترین ضرایب فزاینده تولید در هر دو منطقه، بخش ساختمان می‌باشند، در حالی که بالاترین توان اشتغال‌زایی برای استان تهران، بخش ساختمان ولی برای سایر مناطق اقتصاد ملی، بخش اداره عمومی است.

۳-۱- سوالات و فرضیه‌های تحقیق

الف- سوالات تحقیق:

۱. در چارچوب رویکرد برنامه‌ریزی تعاملی «ملی- منطقه‌ای» و «منطقه‌ای- ملی» کدام یک از بخش‌های اقتصاد استان آذربایجان شرقی دارای بیشترین اثرات سرریزی به سایر مناطق اقتصاد ملی می‌باشند؟
۲. بر اساس رویکرد هم‌پیوندی و تعاملی بین اقتصاد ملی و منطقه‌ای، سرمایه‌گذاری در کدام یک از بخش‌های اقتصاد استان بیشترین افزایش تولید را به دست می‌دهند؟

ب- فرضیه‌های تحقیق:

۱. در چارچوب رویکرد هم‌پیوندی بین اقتصاد ملی و منطقه‌ای، زیربخش‌های صنعتی استان دارای بیشترین اثرات سرریزی به سایر مناطق اقتصاد ملی هستند.
۲. در چارچوب رویکرد هم‌پیوندی بین اقتصاد ملی و منطقه‌ای، سرمایه‌گذاری در بخش‌های حمل و نقل و ساختمان بیشترین افزایش تولید را در بین بخش‌های اقتصاد استان به همراه خواهند داشت.

۴-۱- اهداف تحقیق

به کارگیری رویکرد برنامه‌ریزی «ملی- منطقه‌ای» و «منطقه‌ای- ملی» به صورت توانمند، راهنمای خوبی برای تصمیم‌گیران و برنامه‌ریزان ملی و منطقه‌ای در چارچوب تدوین برنامه‌ها و طرح‌های اقتصاد ملی می‌باشد؛ زیرا با ارائه تصویر مناسبی از ساختار اقتصاد ملی و مناطق به کمک برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران ملی و منطقه‌ای آمده و آن‌ها را

در اتخاذ تصمیمات و سیاست‌های مناسب، با هدف دستیابی به رشد و توسعه پایدار یاری می‌رساند. بنابراین اهداف کلی که این پژوهش سعی در تحقق آن‌ها دارد، عبارتند از:

- ❖ تهیه جدول داده- ستانده دو منطقه‌ای سال ۱۳۸۰ (استان آذربایجان شرقی با سایر مناطق اقتصاد ملی)؛
- ❖ محاسبه خطای اندازه‌گیری برای یک منطقه در نتیجه غفلت از پیوندهای بین منطقه‌ای (اثرات بازخوردی)
- ❖ بررسی اثرات سرریزی ناشی از مبادلات بین منطقه‌ای در قالب الگوی داده- ستانده دو منطقه‌ای
- ❖ تجزیه ضرایب فزاینده پسین و پیشین بین منطقه‌ای در قالب الگوی تقاضامحور لئونتیف و عرضه محور گش.

۵-۱- مبانی نظری تحقیق

برای شناسایی اثرات توأم یک واحد تغییر در طرف تقاضا یا عرضه اقتصاد ملی بر روی اقتصاد منطقه‌ای و بالعکس، تهیه و تدوین جدول داده- ستانده بین منطقه‌ای ضروری است. لذا در این پژوهش، ابتدا با استفاده از روش سهم مکانی FLQ جداول داده- ستانده منطقه‌ای برای استان آذربایجان شرقی و سایر مناطق اقتصاد ملی برآورد خواهد شد؛ سپس با استفاده از روش غیرآماري مختلط اقدام به تهیه یک جدول داده- ستانده بین منطقه‌ای در قالب دو منطقه نموده و در نهایت، با استفاده از تجزیه ماتریس ضرایب فزاینده پسین و پیشین به سه جزء اثرات درون منطقه‌ای، اثرات سرریزی بین منطقه‌ای و اثرات بازخوردی بین منطقه‌ای، اثرات هریک از این اجزاء به تفکیک برای هر دو منطقه محاسبه و تحلیل خواهد شد. در پایان نیز، با تجزیه ضرایب فزاینده پسین و پیشین به اثرات داخلی و خارجی، میزان هم‌پیوندی بین اقتصاد ملی و اقتصاد منطقه‌ای به صورت کمی بررسی خواهد شد.

۶-۱- روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها

برای استخراج جدول داده- ستانده دو منطقه‌ای غیرآماري و به تبع آن محاسبه جداول داده- ستانده منطقه‌ای (برای استان آذربایجان شرقی و سایر مناطق اقتصاد ملی) از دو نوع پایه آماری استفاده شده است که عبارتند از:

- ماتریس‌های ساخت و جذب سال ۱۳۸۰ مرکز آمار ایران (مرکز آمار ایران سال ۱۳۸۵)
- حساب‌های منطقه‌ای سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۶ مرکز آمار ایران (مرکز آمار ایران سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۷).

شایان ذکر است که طبقه‌بندی حاکم بر حساب‌های منطقه‌ای مرکز آمار ایران *ISIC* می‌باشد. لذا برای هماهنگی در ابعاد اقتصاد فضایی منطقه- ملی، نمی‌توان از جدول متقارن سال ۱۳۸۰ مرکز آمار ایران استفاده نمود؛ زیرا جدول یادشده بر حسب گروه کالاها و خدمات بوده و نظام طبقه‌بندی حاکم بر این جدول نیز *CPC* است. برای این منظور بر مبنای دو ماتریس ساخت (جدول بخش در کالا) به ابعاد ۹۹×۱۴۷ و ماتریس جذب (جدول کالا در بخش) به ابعاد ۹۹×۱۴۷ و با استفاده از نرم افزارهای *EXCEL* و *IO-SAM*، یک جدول متقارن بخش در بخش با فرض تکنولوژی بخش با ابعاد ۹۹×۹۹ استخراج شده و مبنای کار قرار گرفته است. با توجه به این مطلب که نظام طبقه‌بندی حاکم بر این جدول *ISIC* می‌باشد (این جدول در قالب طرح پژوهشی تهیه جدول داده- ستانده استان گلستان به سفارش سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گلستان در سال ۱۳۸۶ توسط بانویی و همکاران در مرکز تحقیقات اقتصاد ایران تهیه شده است)، انتظار بر این است که با طبقه‌بندی حاکم بر حساب‌های منطقه‌ای هم‌خوانی داشته باشد. همچنین در این مطالعه، از آمارهای «حساب‌های منطقه‌ای استان‌های کشور» طی سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۸۰ که توسط مرکز آمار ایران منتشر می‌شود، استفاده شده است. این حساب‌ها شامل آمارهای مربوط به کلیه فعالیت‌های اقتصادی در این سال‌ها می‌باشد. دو دلیل عمده برای به‌کارگیری پایه‌های آماری فوق وجود دارد:

☒ این نوع پایه‌های آماری می‌توانند میزان سازگاری و هماهنگی ابعاد اقتصاد فضای منطقه- ملی را در سطوح

مختلف بخشی و کلان با توجه به عوامل اقتصاد فضا و معیارهای سنجش آن‌ها به‌خوبی تامین نمایند.

☒ با توجه به این‌که هر دو پایه آماری از یک نهاد آماری (مرکز آمار ایران) گرفته شده است، لذا انتظار می‌رود

که از تعاریف یکسانی برخوردار باشند..

۷-۱- جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و حجم نمونه

در این مطالعه، دو جدول داده- ستانده غیرآماري منطقه‌ای برای استان آذربایجان شرقی و سایر مناطق اقتصاد ملی برآورد و به کار گرفته شده است که از مجموع جداول برآورد شده در سطوح منطقه‌ای، جدول داده- ستانده آماری ملی سال ۱۳۸۰ حاصل می‌شود. با توجه به این‌که هدف اصلی این پژوهش، بررسی هم‌پیوندی‌ها و تعاملات بین اقتصاد ملی و اقتصاد منطقه‌ای بوده است، لذا می‌توان جامعه آماری مورد استفاده در این پژوهش را ملی- منطقه‌ای دانست.

۸-۱- تعریف مفاهیم و واژگان اختصاصی تحقیق

توسعه منطقه‌ای؛ توسعه منطقه‌ای، روندی فراگیر در جهت افزایش توانایی‌های انسانی- اجتماعی در محدوده فضایی مورد نظر است. درک وجهی از معنای توسعه منطقه‌ای، فاصله موجود تا وضع مطلوب شالوده اقدامات از پیش اندیشیده‌ای در عرصه اجتماعی را ریخت که «برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای» نام گرفت. بنابراین برنامه‌ریزی منطقه‌ای، مولود نابرابری‌های منطقه‌ای است و ضرورت آن، عدم وجود تعادل منطقه‌ای، لزوم مشارکت افراد محلی در توسعه منطقه و ناحیه و لزوم هماهنگی میان سیاست محلی و ملی می‌باشند. لزوم مشارکت مردم در توسعه گویای این است که برنامه‌ریزی منطقه‌ای، فصل مشترک حرکت از پایین اجتماعات محلی- مردمی با حرکت از بالای نهادهای ملی- دولتی در یک سیستم یکپارچه است. توسعه منطقه‌ای فصل مشترک حرکت از پایین اجتماعات محلی- مردمی با حرکت از بالای نهادهای ملی- دولتی در یک سیستم یکپارچه است که موجد تعامل و نیرو بخشی متقابل می‌باشد. سطح منطقه‌ای همایشی ناشی از فرود توسعه ملی و فراز توسعه محلی، نه برای برتری یکی بر دیگری، بلکه در جستجوی راهی مشترک برای نیل به توسعه پایدار و فراگیر است (پردازی مقدم، ۱۳۸۶؛ ۶۳).

منطقه؛ منطقه به معنای فضایی است که با مرزهای فیزیکی یا ذهنی محدود شده است. در واقع، فضایی با محتوا و کالبد مشترک در یک قلمرو جغرافیایی را منطقه گویند. ریچاردسون روش‌های توصیف و تشریح منطقه را بر اساس نحوه عملکرد، ارتباط متقابل بین اجزاء اقتصادی داخل منطقه و نیز یکپارچگی فعالیت‌ها در ۳ گروه کلی «مناطق همگن، مناطق گره‌ای و مناطق برنامه‌ریزی» تقسیم‌بندی نموده است. در این مطالعه مفهوم منطقه، نوع سوم آن است. منطقه برنامه‌ریزی، منطقه‌ای است که بر مبنای قانون و توسط دولت به منظور تعیین مرزهای سیاسی و اداری مشخص می‌گردد. مطابق تقسیم‌بندی مرکز آمار ایران، مفاهیم استان و منطقه به صورت تداخلی به یک مفهوم به کار رفته‌اند و استان به عنوان یک منطقه برنامه‌ریزی ذکر می‌گردد (کلانتری، ۱۳۸۰؛ ۲۶).

فضا؛ فضا تنها در ارتباط با انسان و جامعه معنا دارد؛ این ادراک انسان است که معنا و ارزش ویژه‌ای به فضا می‌دهد. اما انسان در ورای فضا نیست؛ ارزش‌های او تا حدی تحت تاثیر فضایی که در آن زاده شده است، ساخته شده و شکل می‌گیرد. بنابراین فضا محصول مشترک طبیعت و انسان است که در حال تغییر و تحول دائم است. فضا جایی است که پدیده‌ها با هم کنش متقابل دارند و فعالیت‌های انسان در آن جا شکل می‌گیرد (میسرا، ۱۳۶۶؛ ۸۳).

بخش؛ مجموعه‌ای از کارگاه‌ها و واحدهای مشابه دولتی یا خصوصی است که معمولاً "به منظور فروش کالا و خدمت خود، به قیمتی که دست کم هزینه تولید را پوشش دهد، تشکیل شده است (توفیق، ۱۳۷۱؛ ۴۱).

برنامه‌ریزی؛ برنامه‌ریزی کوششی در جهت هماهنگ ساختن تصمیم‌گیری‌های اقتصادی در بلندمدت، با هدف سرعت بخشی به توسعه در سطح ملی است. این فرآیند، متضمن انتخاب مابین اهداف اجتماعی، تعیین اهداف کمی، اشاعه اطلاعات و علاوه بر این، سازماندهی چارچوبی برای نظارت بر اجراء برنامه است (بلیترز و کلارک، ۱۳۷۴؛ ۳).

برنامه‌ریزی منطقه‌ای؛ برنامه‌ریزی منطقه‌ای، نتیجه منطقه‌ای کردن^۵ برنامه ملی یا تجزیه برنامه ملی به چند استان نیست، بلکه منظور پی‌ریزی و ساماندهی سازمان نهادی، حقوقی، اداری و اجرایی یک فرآیند تسلسلی به هم پیوسته از مدارهای «ملی- منطقه‌ای» و «منطقه‌ای- ملی» می‌باشد که با شناخت نیازها، توانایی‌ها و تنگناهای ویژه هر منطقه، خود موزاییکی بر نقش ملی می‌افزاید و رابطه‌ای دو طرفه برقرار می‌سازد.

سیاست‌گذاری منطقه‌ای؛ عبارتست از همه کوشش‌های آگاهانه و عمدی که از سوی دولت برای ایجاد تغییر در توزیع فضایی پدیده‌های اقتصادی و اجتماعی، از قبیل جمعیت، درآمد، درآمدهای دولت، تولید انواع کالاها و خدمات، تسهیلات حمل و نقل و سایر زیرساختارهای اجتماعی و حتی قدرت سیاسی انجام می‌شود (هنسن، ۱۳۷۶؛ ۱۶).

پیوندهای فضایی؛ منظور از پیوندهای فضایی، مجموعه ارتباطات مابین بخش‌های اقتصادی در سطح یک منطقه با سایر مناطق، با توجه به هویت مکانی و جغرافیایی تعریف شده برای آن‌هاست (ویسی، ۱۳۸۷؛ ۱۸).

ضریب فزاینده تولید؛ به مجموع افزایش در تولید تمام بخش‌های اقتصاد، به ازای یک واحد افزایش در تقاضای نهایی یک بخش، ضریب فزاینده تولید آن بخش گویند (بزازان و همکاران، ۱۳۸۸؛ ۴۵).

اثرات سرریزی بین منطقه‌ای؛ افزایش اولیه در تولیدات منطقه (۲) در نتیجه افزایش تقاضای نهایی (یا ارزش افزوده) منطقه (۱) را اثرات سرریزی از منطقه (۱) به منطقه (۲) گویند.

اثرات بازخوردی بین منطقه‌ای؛ افزایش در تولیدات بخش‌های منطقه (۱)، در نتیجه افزایش تقاضای نهایی (یا ارزش افزوده) از سوی بخش‌های منطقه (۲)، درحالی‌که منشا اولیه افزایش تقاضای نهایی منطقه (۲) ناشی از یک افزایش اولیه در تولیدات بخش‌های منطقه (۱) باشد را اثرات بازخوردی بین منطقه‌ای گویند (Miller, 1966: 106).

روش‌های سهم مکانی؛ یکی از روش‌های غیرآماري محاسبه ضرایب داده- ستانده منطقه‌ای است که با استفاده از ساختار جدول ملی و با حداقل اطلاعات و آمار در سطح منطقه، سعی در تبیین ابعاد اقتصاد فضایی منطقه نسبت به ابعاد اقتصاد ملی دارند. براساس پژوهش‌های به عمل آمده در ایران و آمار و اطلاعات موجود، روش‌های سهم مکانی به‌عنوان روشی مناسب، برای برآورد جدول داده- ستانده منطقه‌ای به کار می‌روند (بزازان و همکاران، ۱۳۸۶؛ ۴۷).

جدول داده- ستانده؛ جدول داده- ستانده، یک نقشه از اقتصاد است که به‌طور خلاصه و فشرده، همه جریان‌ات و مبادلات کالاها و خدمات اقتصاد آن کشور یا منطقه را برای یک دوره زمانی مشخص (معمولاً یک‌ساله) با استفاده از ثبت ارزش مبادلات ترسیم نموده و به تصویر می‌کشد. این نقشه شبیه یک تکه بافته شده از تار و پود است که تار یا نخ افقی، ردیف نامیده می‌شود و پود یا نخ عمودی، ستون نامیده می‌شود. در ناحیه اول جدول داده- ستانده، ردیف‌ها بیانگر بخش‌های عرضه‌کننده از کالاها و خدمات هستند، حال آن‌که ستون‌ها، شامل بخش‌های تقاضاکننده هستند و هر سلول این جدول ارزش مبادلات میان دو بخش را نشان می‌دهد. این ناحیه از جدول داده- ستانده ماتریس مبادلات واسطه‌ای نامیده می‌شود که مبادلات مابین بخش‌های اقتصاد را به تفصیل نشان می‌دهد و مرکز دستگاه تحلیل داده- ستانده را تشکیل می‌دهد. ناحیه دوم این جدول، عرضه بخش‌های مختلف اقتصاد را به‌مصرف‌کنندگان نهایی نشان می‌دهد و ناحیه سوم این جدول، نیز تقاضای بخش‌های گوناگون اقتصاد از عوامل تولید را در بر می‌گیرد که به ناحیه ارزش افزوده معروف است. در بسیاری از جداول داده- ستانده، واردات برون مرزی هر یک از بخش‌ها نیز در این ناحیه وارد می‌شود (Inamoto, 2009: 119).

جداول داده- ستانده بین‌منطقه‌ای؛ این جداول تلاش می‌کنند تا تعاملات و پیوندهای بین دو یا بیش از دو منطقه را با جزئیات کامل با یکدیگر بررسی نمایند و برای هر منطقه یک جدول داده- ستانده کامل شناسایی نمایند. به‌طور مشخص یک مدل داده- ستانده بین‌منطقه‌ای، افزون بر در نظر گرفتن مبادلات بین بخشی مابین مناطق، مبادلات درون منطقه‌ای هر یک از مناطق را نیز به‌خوبی نمایش می‌دهد.

۹-۱- مشکلات و تنگناهای احتمالی تحقیق

✓ به روز نبودن جدول داده- ستانده آماری در سطح ملی؛ آخرین جدول داده- ستانده محاسبه شده در سطح ملی برای سال ۱۳۸۰ می‌باشد که توسط مرکز آمار ایران تهیه شده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵).